

چرا باید خدا را عبادت کنیم؟

* نامه‌ای از دانشگاه

✽ خدایی نیاز مطلق است

✽ گوشه‌ای از فوائد عبادات

✽ عبادت کنندگان آلوده!؟

چندی پیش دانشجوئی که در رشته « تکنولوژی » دانشگاه « گندی شاهپور » تحصیل میکند، از ما پرسید: آیا خداوند محتاج به عبادات ما است!؟
و اگر نیازی به عبادات ما ندارد، پس چرا بایستی شبانه روزملا چندین بار مراسمی بنام نماز؛ بجآوریم و باصطلاح برای خدا دولاوراست شویم؟! و یا در مدت سال، یکماه تمام روزه بگیریم و از خوردن و آشامیدن و دیگر از مفطرات، خودداری نمائیم؟! و با دار و ندار خود را جمیع کنیم، راه عربستان حجاز را پیش گرفته، پولهای خود را در شکم عربها بریزیم و با انجام مراسم حج، بالقب « حاجی » بوطن برگردیم؟! و بطور کلی این اعمالیکه ما بنام عبادات انجام میدهیم، و مقداری از اوقات خود را صرف انجام آنها می - کنیم، آیا فوائد و منافعی هم دارند، یا آنکه صرف تعبداست و بایستی کورکورانه آنها را انجام داد!؟

اینها پرسشهایی بود که آن دانشجوی محترم، از ما پرسیده بود، ولی باید توجه داشت که این نوع سؤالات؛ بهیچوجه. اختصاصی به دانشجوی یاد شده ندارد، بسیاری از مردمنده که مانند او از فلسفه عبادات، سردر نمی - آورند، و نقطه‌های ابهامی در زمینه عبادات اسلامی برای آنها وجود دارد، و همچنان آنان را رنج میدهد.

در میان این اکثریت، **عده‌ای هستند** میگویند: درست است که ما از اسرار عبادات، بطور کامل، سردر نمی‌آوریم ولی این جهالت و نادانی، نمیتواند ما را از انجام مراسم عبادی بازدارد، زیرا بعد از آنکه روی دلائل قانع‌کننده خدا و پیغمبر را شناختیم و به آئین و مقررات او گردن نهادیم و تشخیص دادیم، که این مقررات عبادی از ناحیه خدا است و او فرمانی عبث و بسی فائده‌صادر نمیکند در اینصورت، اگر چه فلسفه عبادات را نفهمیم و ندانیم، نماز، روزه، حج و نظائر اینها دارای چه فوایدی هستند؛ نمیتوانیم، از زیر بار انجام آنها شانه‌خالی نمائیم ما وقتی که بحذاقت دکتری علم پیدا کردیم، و دانستیم که نسخه‌های او روی تشخیص صحیح، نوشته میشود در اینصورت، بدون چون و چرا آنرا بکار می‌بندیم، بعلاوه‌هما نظوریکه «جیمز» میگوید: علم ما در برابر نادانی ما بمنزله قطره در برابر دریا است؛ ما هر گاه چیزی را ندانیم و از فلسفه قانون و تکلیفی باخبر نباشیم، نباید آنرا نادرست اعلام کرده و دور از منطق بدانیم چه بسا ممکن است فوایدی داشته باشد ولی علم و دانش ما برای درک آن، قاصر و کوتاه باشد.

جمعی دیگر، در مقابل این عده قرار گرفته، می‌پندارند، همه چیز را میدانند و هر گاه پس از جستجو و کاوش، فائده و فلسفه‌ای مثلا برای مراسم عبادی پیدا نکردند، با عجله و شتاب، حکم میکنند که قطعاً دارای اسرار و فوایدی نیستند؟ زیرا معتقدند: چنانچه این قبیل دستورات، دارای فلسفه‌ای بوده می‌بایست آنها فهمیده باشند و چون نفهمیده‌اند پس اصلا وجود ندارد؛ ولذا یا بطور کلی مراسم عبادی را از بر نامه زندگی شان حذف میکنند و با نظر سخریه و استهزاء بدان مینگرند، و یا چنانچه روی عادت و تقلید، دستورهای عبادی را انجام دهند، ارزش و اعتباری برای آنها قائل

نبوده عبادات برای آنها جز يك بار گران و سنگینی نخواهد بود! و حال آنکه از قدیم گفته‌اند «**عدم الوجدان لا يدل علی عدم الوجود**» و بدیهی است که نمیدانیم با نبود نیست ، فرق ، فراوان دارد (دقت شود) .

در مقابل ایندو گروه ؛ **افراد کنجکاو و واقع بینی هستند** ، می خواهند ، همه چیز را از راه دانش و علم ؛ باور داشته باشند اینان میگویند درست است که دستورات الهی بدون مصالح و مفاسد نیستند اما چه بهتر تا آنجا که علم بشر قد میدهد ، آدمی در صدد بدست آوردن اسرار مقررات و عبادات اسلامی بر آید ، در نتیجه از روی بصیرت و علم ، مراسم عبادی را بر گزار کرده عامل به دستورات الهی باشد **فهم** . **کتابخانه مدرسه قضیه قسم**

از آنجا که اسلام آئین تفکر و تعقل است و میل دارد تا آنجا که مقدور است ، عقائد و اعمال مردم ؛ بر اساس دانش و خرد ، استوار گردد از اینجهت با طرح اینگونه بحثهای موافق ، میکوشد ، روح تشنه و کنجکاو این گروه را سیراب کرده ، در بدست آوردن آئین منطقی و استدلالی با آنها کمک نماید .

روی این حساب ، ما بخاطر کمک فکری با آنها تیکه میخواستند نقاط ابهام ضرورت عبادات اسلامی را بفهمند ، به مباحث زیر ، می پردازیم ، ولی پیش از شروع به بحث تذکر این نکته را ضروری میدانیم که ما هیچگاه ادعا نداریم تمام رموز عبادات را بدست آورده ایم ؛ ممکن است مطالبی که در باب فوائد و منافع پاره‌ای از عبادات ، در اینجا می آوریم حتی برای شما قانع کننده هم نباشد ولی منظور ما اینست که بدینوسیله روح تحقیق شما را بکار اندازیم و اعلام کنیم چنانچه ما و شما هم نتوانستیم ، اسرار پاره‌ای از عبادات اسلامی را بدست آوریم ، نباید منکر وجود منافع واقعی آنها شویم بلکه باید فهم و معرفت خود را مقصر بدانیم نه قانون گزار و جهان آفرین را

خدا بی نیاز مطلق است

بدیهی است خداوند عالم ، سرچشمهٔ تمام کمالات و مبدء همه کائنات است ، هر کمالی که در جهان وجود دارد و هر آفریننده ای که در عالم ، لباس هستی به بر کرده ، همه پرتوی از کمال او و جلوه ای از نور اوست .

ممکن نیست چیزی در عالم باشد ، و یا کسی دارای کمالی باشد ، خداوند فاقد آن کمال ، و نیازمند بآن باشد! بنابراین ، همه آفریده ها چه در اصل هستی و چه در آب و رنگ آن ، نیازمند بخدا هستند ولی خدا از همه چیز و همه کس بی نیاز است «یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله والله هو الغنی الحمید» (۱)

روی این حساب ، خداوند ، نه در اصل آفرینش ما فرزندان آدم نظر سودجویی برای شخص خود داشته ، و نه در اعمال و عبادات ما ، او که ما را آفریده تنها بخاطر این آفریده که ما با داشتن ابزار ترقی و تکامل ، راه سعادت را پیش گیریم و از این مسابقهٔ زندگی گوی خوشبختی و سعادت را بر بایم

«من نکردم خلق تا سودی کنم بلکه تا بر بندگان چودی کنم»

نه اینکه خداوند نقصی داشته ، خواست با آفریدن ما نقص خود را جبران کند! فرض اینست که او کمال مطلق است ، و همه کمالات با او منتهی میشود .

او که به ما دستور میدهد : نماز بخوان ، روزه بگیر ، خمس بده ، حج برو ... نه برای اینست که خداوند از دولاورا است شدن ما مقامش

بالاتر می‌رود ، از گرسنگی ما ارتقاء رتبه پیدا میکند ، از پول دادن ما به فقراء و سادات جیبش پر میشود ، از حج کردن ما شخصیت او زیادتر میشود ! نه او که بی‌نیازه مطلق است نه از اغاعت او امرش ، سودی می‌برد و نه از بجا آوردن محرماتش زیانی . اگر جمله کائنات ، کافر گردند ، بر دامن کبریاش نشینند گرد . پس همه دستورات او بخاطر منفع و منزاری است که از انجام ویاترك آنها عائد ما می‌گردد **لها ما کسبت و علیها ما کسبت» (۱)**

این مائیم که از خوردن شراب ، جهازها ضمه مان خراب میشود و مشاعرمان از کار می‌افتد و در حال مستی دست به انواع جنایات می‌زنیم این مائیم که با قمار کردن ، اعصابمان را فرسوده ، پولمان راضیع ، و وقت خود را بی‌جهت صرف مینمائیم .

این مائیم که از راه پرداخت مالیاتهای اسلامی (خمس و زکوة) نواقص اجتماعی خود را اصلاح ، و اعضاء فلج اجتماع را به آب و نان میرسانیم .

این مائیم که ... و گرنه از کارهای ما نفعی عائد او نخواهد شد.

گروه ای از فوائد عبادات ؟ جامع علوم انسانی

روح نا آرام و سرکش بشر ، چنانچه پناهگاه و مرا قبی غیر مادی نداشته باشد ، و تمام هدف او در زندگی ، بهره‌مندی از مظاهر مادی ، و گامیابی از جوانب گوناگون اینجهان پر هیاهو باشد ، شک نیست که دائماً در اضطراب و دلهره و طغیان ، بسر خواهد برد .

ناگامیهای زندگی مادی و شکست در عشق است که او را رنج

میدهد و چه بسا منجر به انتحار و خودکشی او میشود.

حرص و آرزو طمع و جاد طلبی ها است که او را بتجاوز و قانون شکنی، سوق میدهد .

اصطکاک منافع، و تصادم خواسته ها است که او را وادار به جنگ و جدال و کشت و کشتار میکند .

خودخواهیها و حس برتری جوئی اوست که آمار جرائم و جنایات را بالا میبرد .

غریزه جنسی بی بند و بار اوست که فحشاء و روابط نامشروع را که هزاران مفساد دیگر ، بدنبال دارد ، بطرز شرم آوری توسعه میدهد، و همچنین ... !!

آیا برای تلطیف روح او، و آرامش بخشیدن بروان او، و تعدیل میاها و غرائز افراطی و سرکش او ، و جلوگیری از تجاوزها ، قانون شکنیها ، کشت و کشتارها ، جرائم و جنایتهای او. کدام عامل، بهتر از پیوند روح او با سرچشمه هستی و آفریدگاران و توانا است ؟

انسانی که در شبانه روز. پنج بار با نظافت ظاهر ، و طهارت باطن (پاك بودن لباس و بدن ، و داشتن وضوء و غسل) در برابر خدا می ایستد و با او آرزو نیاز میکند ، و مشکلات خود را با او در میان می نهد ، و معتقد است او خیر بنده را بیش از خودش میخواهد، هر گاه صلاح بداند ، خواسته هایش را عملی میکند، و نیز با او در دارد : خداوند ، از کارهای : شست و زیبای بندگانش باخبر است ، از زشتیها بدش می آید و برای آن کیفرها مقرر فرموده و از نیکیها خوشش می آید ، و برای آن پاداشهایی قرار داده است آیا چنین انسانی که با انجام این مراسم (نماز) روح خود را به سرچشمه

نیکبها یعنی خدای عادل و مهربان ، پیوسته دیگر ممکن است در نشیب و فراز زندگی روح او نا آرام و مضطرب باشد، تا جائیکه برای محرومیت از مظاهر مادی دست با نتحار و خود کشی بزند؟! (۱)

آیا چنین انسانی که در این مراسم صریحاً اعتراف میکند که خدا مالک روز جزا است «مالک یوم الدین» دیگر ممکن است برای چند روزه ریاست، جنگی پدید آورد که ۵۵ میلیون نفر، آدمیزاد در آن، نیست و نابود شوند؟! (مانند جنگ جهانی دوم) (۲) و یا این همه خونریزی های دیگر که اکنون در عالم میشود وجود میآید؟! شما انصافاً بایست بفهمائید، نه.

انسانیکه در برابر پروردگار مهربانی میاستد و از او یاری و کمک می خواهد و درخواست میکند که راه راست را باو نشان دهد نه راه گمراهان و غضب شدگان را (۳) آیا چنین انسانی ممکن است تعدی و تجاوز، به جان و مال و ناهوس دیگران دراز کند و با هزاران دوزو ککک سر مردم گلاسه بگذارد؛ در نان و دار و روزد چوبه و عسل و روغن و پنیر و غیره تقلب نماید؟!

انسانیکه در مدت سال، یکماه را روزه میگیرد از خوردن و آشامیدن و دیگر مفطرات، خودداری میکند و از این راه هم عملاً از حال بینوایان باخبر میشود، وهم تمرین تقویت اراده و تمالک نفس میکند، وهم از نظر جسمی

(۱) هر سال، در دنیا ۳۰۰۰۰۰۰ نفر دست بخود کشی میزنند و هر روز هزار نفر در اینکار موفق میشوند. (اطلاعات ۳۰/۱۱/۴۵).

(۲) سپید و سیاه ۴۶/۸/۲۶ فردوسی ۴۶/۱۲/۲۲

(۳) ایاک نعبد و ایاک نستعین اهدنا الصراط المستقیم صراط

الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم ولا الضالین (سوره حمد)

فوائد زیادی میبرد، آیا چنین کسی حاضر خواهد شد که همواره شکم خود را از بهترین غذاهای سیر کند و سفرهای زار ننگین نماید ولی هم نوعان او برای قوت شب معطل باشند و در هر روز ده هزار نفر از گرسنگی در نقاط مختلف جهان بمیرند؟! (۱)

مردمی که در مدت عمر، در صورت استطاعت (۲) یکبار بسوی خانه خدا میروند، و با انجام مراسمی که طبعاً آدهی را بفرع عالم آخرت میاندازد، و عملاً نظام پوسیده طبقاتی و تبعیضات نژادی را نادرست اعلام میدارد. و در عین حال با تشکیل این کنگره اسلامی، مسلمانها در حال یکدیگر، و از سیاست جهانی اسلام باخبر میشوند و برای آینده خود یک سیاست صحیح و مستقل و عاقلانه را بطور دسته جمعی تصویب و پیاپی پی میزنند، آیا چنین مردمی ممکن است بعد از مراجعت به وطن، همان جاه طلبیها، باخواریها، و مردم آزادیها، بفخر فروشیها و بندوبست بابیگانگان اسلام را از سر گرفته بجای آنکه با برادران اسلامی خود هم آهنگی داشته یا رومدکار آنان باشند بادشمنان اسلام، همکاری نمایند؟!

بنابراین فلسفه کلی عبادات را بشرح زیر میتوان خلاصه نمود:

شخص عبادت کننده هنگامیکه روح خود را از راه عبادات با جان جهان (خدا) پیوند میدهد و در هر شبانه روزی، در برابر عظمت خدا سر تعظیم فرود میآورد، از این راه که از آثار آن داشتن روحی آرام دوست داشتن هم نوعان، کمک کردن به بینوایان، نرساندن اذیت و آزار بدیگران،

(۱) در حالیکه ۱۵۷۳۰۰۰۰۰۰۰ یون تومان، خرج سالانه مردم آمریکا برای خرید اسباب بازی است ۱ هزار نفر هر روز در دنیا از گرسنگی میمیرند (کیهان ۱۲/۵ / ۴۴-۱۲/۱۶ / ۴۵) (۲) توجه داشته باشید، حاجی نباید داروندار خود را بفرودشده بکشد، هر دو باید بلکه مستطیع باشد

محترم شمردن حقوق همه گان و دوری از معاصی و گناهان ... است. البته هر کدام از عبارتهای اسلامی، صرفنظر از این فلسفه کلی که ذکر شد فوائد و منافع فردی و اجتماعی دیگری نیز دارند که جادارد، بطور جداگانه مورد بررسی قرار گیرند مثلاً نماز: درس نظافت، پاک‌ی دل، عفت، احترام بمال دیگران وقت شناسی و نظم در زندگی، اتحاد و هم بستگی و تنها سر تعظیم برای خدا فرود آوردن، نه در برابر خداوندان زرزور، بانسان میآورد (۱) روزه اراده انسان را تقویت میکند، در آدم حس تمالک نفس بوجود میآورد، عمال در میان مردم روح مساوات و احساس همدردی و درک دردهای درونی اجتماع را زنده مینماید بعلاوه از نظر طبی نیز فوائدی دارد که بهیچوجه قابل انکار نمیباشد (۲)

حج: درس از خود گذشتگی و اینکه خداوند پاداش نیکو کاران راهیچگاه ضایع نمیکند بمردم میدهد همچنانکه باتشریح حج خاطره قهرمان توحید (حضرت ابراهیم) و فدا کاریهایش، همه ساله تجدید میشود و تعلیم میدهد که با اهریمن بد کیش که در صد گمراهی و بد بختی ما است بایستی مبارزه کرد، و برای مصالح عمومی، بایستی راحتی شخصی را کنار گذاشت و در صورت اصطکاک مظاهر زندگی با شخصیت معنوی، بایستی از مظاهر مادی چشم پوشید، مسلمانها بایستی صفوف خود را فشرده تر کنند و از عوامل اختلاف و تفاخر و عصبیت، باید بر حذر باشند و صدها فوائد دیگر... (۳)

(۱-۲-۳) - مراجعه شود به کتبهای: احیاء المومنین فی حج جامع السعادات.

اسرار الصلوة حاجی ملاحادی سبزواری - مجموعه انتشارات انجمن تبلیغات اسلامی - روح الدین الاسلامی - الاسلام عقیده و شریعة .

بدر نظر داشتن نکات فوق، روشن خواهد گردید که اسلام چرا در انجام عبادات اسلامی اینقدر تأکید و اصرار دارد و برای چه بایستی مردم نماز، روزه، حج و نذائر اینها را انجام دهند؟!

و نیز معلوم میشود که: نماز يك عمل بی فائده و دولاراست شدن نیست و حج نیز برای تحصیل لقب حاجی و ریختن پول در شکم عمر بهایست

عبادت کنندگان آلوده

شاید خواننده محترم، ضمن خواندن بحث فوائد عبادات، بارها این اشکال بذهنش آمده است که: هر گاه نماز، روزه، حج و دیگر از عبادات، دارای اینهمه فوائد و منافع فردی و اجتماعی است، پس چرا مسلمانها تا این درجه در بدبختی و فساد و تباهی گرفتارند؟! و چرا بسیاری از کسانی که مراسم عبادی را انجام میدهند به انواع رذائل، آلوده اند؟! باید توجه داشت که همین امر باعث شده بسیاری از مردم ناپخته و کم فکر، مراسم عبادات اسلامی را از برنامه زندگی خود حذف نمایند و برای تصحیح عمل غیر قانونی خود چنین متعذر شوند که چنانچه عبادات، با افراد بشر شخصیتی معنوی که از آثار آن، داشتن روحی آرام و عدم ارتکاب معاصی و گناه است می بخشید، پس می بایستی مسلمانها از نظر افکار و رفتار مردم، نمونه‌روی زمین بوده، جوامع اسلامی از فساد و تباهی بدور باشند و حال آنکه می بینیم جریان کاملاً بعکس است بعلاوه بسیاری از مردمند با آنکه عبادات اسلامی را انجام میدهند ناسفانه با انواع رذائل نیز آلوده میباشند! پس چه بهتر که ما بطور کلی آنرا کنار گذاشته رنج بیحاصل، تحمل ننمائیم!!

در پاسخ این اشکال بایستی عرض کنم: آن زمانیکه مسلمانها

پای بند باصول اسلامی و دستورات کلی و جزئی دین بودند همانطور که تاریخ نشان میدهد: از نظر اخلاق و رفتار، مردم نمونه روی زمین بشمار میآمدند آرامش روحی داشتند، بوظائف اخلاقی و انسانی خود عمل میکردند ازیت و آزارشان بهکسی نرسید، جان و مال و ناموس شان محفوظ بود، ولی از آنروزیکه خلافت اسلامی از مسیر اصلی خود منحرف شد، غرور و جاه طلبی و خود خواهی جای دینداری را گرفت بدبختی و فساد و تباهی در میان مسلمین پدیدار گشت، دشمنان اسلام نیز در بوجود آوردن این وضع، نقش مؤثری را بازی کردند، امپراطوری اسلامی را تجزیه کرده مردم را به انجام فرائض و ترک محارم، بی قید ساختند. نماز را مسخره کردند، روزه را عمل فیزیکی دانستند، حج را خارج کردن پول از کشور و ریختن بشکم اعراب و بالنتیجه تحصیل لقب حاجی شمردند،!! در نتیجه کار مسلمانها را بجائی کشاندند که دو میلیون یهودی سرگردان، توانستند کشوری در قلب کشورهای اسلامی پدید آورند، و در هر فرصتی دست جنایت، و خیانت، دراز نمایند!!

آری خداوند درست فرموده: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (۱) هر که گرد ز خراجات شام بارش غول بیابان شود. این است علت بدبختی مسلمانها نه آنکه پای بند بودن آنها به مراسم عبادی، چنین وضعی را به میان آورده باشد.

امادراین حال، بایستی توجه داشت که: درست است که اروپا و غرب، از نظر صنعت و دانش از ما پیشرفته ترند ولی هیچگاه از نظر آرامش روحی و کردار انسانی به مسلمانها نمی رسند، هم اکنون، غرب آنچنان، در منجلا ب فساد اخلاقی و جرائم و جنایات، غرق است، که آما رزیر بعنوان

نمونه می‌تواند. مبین این حقیقت باشد.

«در آمریکا در ۲۲ ثانیه بیک خانه دستبرد زده میشود، در هر دو دقیقه و سی ثانیه یک نفر مورد حمله قرار می‌گیرد و در هر ساعت یک نفر به قتل میرسد (۱)»

«در سال ۱۹۶۶ در ایالات متحده آمریکا یک میلیون سرقت بزرگ و کوچک صورت گرفته و جمع مبالغ سرقت شده ۷۸۵ میلیون دلار بالغ می‌شود! در طول همین سال ۴/۵ میلیون نفر از طرف دولت توقیف و ۲۱۷ هزار نفر آنان زندانی شده اند، مطابق همین آمار در هر دقیقه چهار جنایت قابل اهمیت در آمریکا روی داده است (۲)

خواهید گفت در کشورهای اسلامی مانیز آمار جرائم و جنایات رو با افزایش است ولی باید توجه داشت که فساد و تباهی بیشتر در میان مردمی است که مراسم عبادی را از برنامه روزمره خود حذف کرده اند و به اصطلاح متمدن شده اند نه آنهاییکه پای بند بدین و مراسم مذهبی هستند.

ممکن است خواننده محترم فکر کند که در بی‌بها هم مراسم عبادی دارند، آنها هم روزهای یکشنبه بکلیسا می‌روند و در مقابل کشیش‌زنان زمین‌زده سرودهای مذهبی می‌خوانند و مراسم عبادت و بندگی خدای را بجای می‌آورند. پس چطور آمار فساد و جرائم، در آن سامان رو به افزایش است؟!

بلی درست است آنها هم مراسم عبادی دارند، هفته‌ای یکبار بکلیسا

میروند و در مقابل مجسمه حضرت عیسی زانو بزمین میزنند ، اما چه می گویند و چه میکنند ؟! دعاهای آنها با مطالبی خرافی و دور از منطق آمیخته است ، بیشتر با خدای پدر و خدای پسر ، و ماریای مقدس سروکار دارد ! کشیش با آنها شراب و خمیر مخصوص ، بجای گوشت و خون عیسی میدهد !!

سرودهای مذهبی خوانده می شود ولی صدای ساز و آواز ، و نوای «ارگ» و «ناو و گیتار» است که بگوش میخورد و همگی استماع میکنند؟! پاکی تن در آنجا شرط نیست ، آنچه که شرط است زیبایی و تجمل است مینی ژوپ مانعی ندارد ، موسیقی جاز ، مانعی ندارد ، چشم چرانی و معشوقه گرفتن مانعی ندارد ، با حالت مستی با آنجا رفتن عیب نیست ، در حقیقت کلیسا به مرکز عیاشی و رقص بیشتر شبیه است تا بیک مرکز عبادت ، بعلاوه عبادت آنها روح ندارد ، عبارات دعا با حرکات عبادی توأم نیست (مگر زانو زدن و آواز ساز بخود حرکت دادن) به کلیسا رفتن هم با امکان شنیدن از راه دور دیدن از تلویزیون شرط نیست ، آیا هفتتای یکبار آنها هم با کیفیتی که در بالاتر توضیح داده شد میتواند مردم را با جان جهان پیوند دهد ؟!

ولی عبادت اسلامی با جمالاتی عالی از قبیل : « خدا از همه چیز برتر و بالاتر است ، یکتا است ، بی نیاز است ، همسر ندارد ، زاده کسی نیست ، نمیزاید ، (پسر ندارد) پروردگار عالمیان است . بخشنده و مهربان است فرمانروای عالم و روز جزا است ، ترا پرستش میکنیم ، از تو کمک میخواهیم بر اهراستمان هدایت فرما نه راه گمراهان و غضب شدگان .. » بر گزار میشود آنگاه برای خورد شدن خود پرستی و تکبر انسان که در اثر

جاه و مال و جلال حاصل میشود ، باید رکوع و سجود کرد یعنی خدامن هر چه باشم در مقابل تو و فرمان تو خاضع و حقیرم ، و ..

این مراسم ، بایستی در شبانه روز پنج مرتبه برگزار شود نه هفته ای یکبار ، آنهم بالباسی پاک و بدنی پاکیزه ولی دور از تجمل پرستی و سازو آواز در محیطی کاملاً روحانی و معنوی :

اما این عبادات ، باینهمه فوائد و اسرار ، چرا در پاره ای مردم ، اثری ندارد و مانند آفسار گسیختگان ، آلوده در فساد و معاصی هستند ، لابد بخاطر اینست که آنها روح عبادت را نفهمیده و محرک آنها در انجام مراسم عبادی جز تقلید کور کوران و پیروی از دیگران ، چیز دیگری نیست ، و گرنه همانطوریکه قرآن میگوید : عبادت آدمی را از فحشاء و معاصی باز خواهد داشت «ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر» (۱) روی همین جهت است که ما معتقدیم : بایستی مردم ، تا آنجا که مقدور است روح عبادت را درک نمایند نه از روی تقلید مراسم عبادی را انجام دهند

بنابر این صرف اینکه گروهی نماز میخوانند ، مکه، بیرونند ، روزه میگیرند ولی به انواع ذائل آلوده اند ، نباید موجب شود دیگران ، از اصل عبادت ، سر باز زنند بلکه باید بکوشند روح عبادت را درک کنند و با همبستگی روح با آفریدگار جهان ، از زشتیها و بلیدیها دوری جویند و انسانی بتمام معنی شایسته و وارسته شوند.

امید است با انجام فرائض مذهبی و ترك محرمات الهی ، مردمی شرافتمند و شایسته و سر مشق دیگران ، باشیم